

فارکس چیست ؟

فارکس بازار تبادل ارز هاست. بازار فارکس از لحاظ حجم معاملات بزرگترین بازار مالی دنیا محسوب می شود. این بازار در مکان خاصی متمرکز نشده است بلکه بانک ها و مؤسسات بزرگ در سراسر دنیا در طول شبانه روز در این بازار فعالیت می کنند. در واقع بازار فارکس شبکه ای متشکل از بانک ها، کارگزاران (Brokers) و معامله گرانی است که از طریق تلفن و اینترنت در سراسر دنیا به انجام معاملات ارزی اشتغال دارند.

فارکس همان بازار مبادلات ارز است که با نامهای " Spot FX ", " FX ", " FOREX ", یا " Spot " شناخته می شود. این بازار بزرگترین بازار مالی دنیا با حجم سرمایه ای بالغ بر 3 تریلیون دلار در روز است. اگر شما این رقم را با 25 بلیون دلاری که روزانه در بازار سهام نیویورک معامله می شود مقایسه کنید به راحتی به عظمت بازار فارکس پی می برید که در واقع بیشتر از سه برابر مجموع معاملات سهام و قراردادهای آتی (Futures) در بازار نیویورک است. فارکس کوه پیکر!

در بازار فارکس ارزها بصورت جفتی معامله می شوند مانند EUR/USD که برابری یورو به دلار آمریکا می باشد. در این بازار معمولاً نقل و انتقال ارز انجام نمی شود بلکه معاملات بصورت بدهکار و بستانکار شدن حساب معامله گران، کارگزاران و بانک ها انجام می شود. تا اواخر قرن بیستم معامله در این بازار تنها به بانک ها و مؤسسات بزرگ مالی اختصاص داشت که به منظور حفظ ارزش دارائی ها و کسب سود در این بازار اقدام به خرید و فروش ارزهای مختلف می کردند. اما امروزه با گسترش ارتباطات امکان حضور در این بازار برای مؤسسات و شرکت های کوچک و حتی افراد حقیقی نیز فراهم شده است. کارگزاران بازار فارکس با تمام مراکز مالی دنیا در ارتباط می باشند و با تعطیلی هر یک، ارتباط کارگزار با مراکز مالی دیگر که در ابتدای صبح فعالیت خود را آغاز کرده اند برقرار می شود. از این رو بر خلاف بازارهای سنتی، در بازار فارکس هیچگونه محدودیت زمانی برای خرید و فروش در طول شبانه روز وجود ندارد. به عبارتی عدم وجود یک مکان فیزیکی، بازار فارکس را به یک بازار 24 ساعته تبدیل کرده که با بازگشایی هر یک از مراکز مالی دنیا پیش می رود. بزرگ ترین و مهم ترین مرکز مالی بازار ارز لندن است و بعد از آن بازارهای ارزی نیویورک و توکیو قرار دارند. در سایر مراکز مالی معاملات کوچک تری صورت می گیرد. جدول ذیل ساعات بازگشایی و خاتمه فعالیت روزانه مراکز مهم جهانی را نشان میدهد.

بیش از 85% معاملات روزانه بازار فارکس در مقابل دلار آمریکا انجام می شود. علاوه بر آن در سایر بازار ها مانند بازار فلزات گران بها، سهام، کالا و انرژی نیز اکثر معاملات بر مبنای دلار انجام می شود. اولین قدم برای آغاز فعالیت در بازار فارکس انتخاب یک کارگزار است. کارگزار بازار فارکس واسطه بین بازار و معامله گران می باشند. مکانیزم انجام معاملات بدین صورت است که معامله گران از طریق نرم افزاری که کارگزار در اختیار آنها قرار می دهد، سفارش خود را به کارگزار منتقل می کند و کارگزار موظف به انجام آن می باشد. برخلاف بازارهای سنتی که معامله باید با خرید آغاز و با فروش پایان یابد در بازار ارز جهانی معامله را هم با فروش و هم با خرید می توان آغاز کرد. بدین مفهوم که می توان یک ارز را در قیمت بالاتر فروخت و پس از کاهش قیمت همان ارز را خرید. هدف معامله گران در بازار فارکس این است که یک ارز را با ارز دیگر مبادله کنند با امید به اینکه قیمت ارزی گرفته اند در مقابل ارزی که داده اند بالا برود.

چه چیزی در بازار فارکس معامله می شود ؟

لب کلام پول است. معامله در بازار فارکس در واقع عبارت از خرید یک ارز و همزمان فروش ارز دیگر است. ارزها از طریق یک معامله گر یا کارگزار و به صورت جفت ارز معامله می شوند. برای مثال یورو و دلار (EUR/USD) یا پوند انگلیس و ین ژاپن. (GBP/JPY) از آنجاییکه شما به طور فیزیکی چیزی را نمی خرید این نوع خرید ممکن است کمی گیج کننده به نظر برسد. وقتی ارزی کشور را می خرید فکر کنید که در حال خریدن سهام در آن کشور هستید. فرض کنید که ین ژاپن می خرید، این مثل این است که یک سهم را در اقتصاد ژاپن بخرید، چرا که قیمت ارز یک کشور در واقع انعکاسی مستقیم از سلامت اقتصادی حال و آینده آن کشور است.

به طور کلی نرخ مبادله ارز یک کشور در مقابل ارز سایر کشورها انعکاسی از وضعیت اقتصادی آن کشور درمقایسه با اقتصاد آن کشورهاست.

برخلاف سایر بازارهای مالی مانند بازار بورس نیویورک، بازار فارکس هیچ مکان فیزیکی یا صرافی مرکزی ندارد. بازار فارکس یک بازار سهام خارج بورس (Over-The-Counter (OTC)) یا یک بازار " بین بانکی " شناخته می شود. چرا که این بازار شبکه ای الکترونیکی از بانکهاست که به طور 24 ساعته مشغول به کار هستند. تا اواخر 1990 فقط افراد بسیار ثروتمند می توانستند وارد این بازار شوند. چرا که حداقل موجودی لازم برای ورود به این

بازار برابره تا پنجاه میلیون دلار بود . فارکس در ابتدا قرار بود که فقط توسط بانکداران و سرمایه گذاران بزرگ استفاده شود ، نه اینکه " خرده پا " ها هم باشند . اما با رشد روز افزون اینترنت ، شرکتهای معاملاتی فارکس در حال حاضر قادر هستند با ارائه دادن حساب ، امکان شرکت خرده پا هایی مثل ما را هم فراهم کنند . تنها چیزی که برای شروع لازم دارید ، یک کامپیوتر ، یک اتصال اینترنت پر سرعت و اطلاعات موجود در این سایت است . سعی ما اینست تا تمام زوایای بازار فارکس را با روشی آسان و جذاب در اختیار تمام علاقمندان به ویژه تازه کاران قرار دهد .

اصطلاحات و مفاهیم اولیه:

ضریب اهرمی (LEVERAGE)

حد اکثر ضریب اعتباری که بروکر برای انجام معاملات در اختیار شما قرار میدهد لوریج یا ضریب اهرمی می باشد . لوریج بروکر ها معمولاً بین 100 تا 500 است . به عنوان مثال اگر شما با بروکری که لوریج آن 200 است یک حساب 5000 دلاری افتتاح کنید میتوانید حداکثر تا $200 * \$5,000 = \$1,000,000$ که معادل 10 لات استاندارد (در برابری های مستقیم Direct) است وارد معاملات شوید .

این حداکثر لاتییج برای انجام معامله است اما انجام چنین معامله ای از لحاظ مدیریت ریسک به هیچ وجه صحیح نمی باشد و ممکن است با یک حرکت بازار در خلاف جهت پیش بینی شده، تمام سرمایه از بین برود !! در واقع امکان استفاده از لوریج اگر آگاهانه و منطقی و محاسبه شده مورد استفاده قرار نگیرد موجب زیان های سنگین خواهد شد .

واحد نوسانات قیمت (PIP)

کوچکترین واحد ارزی می باشد که برای اعلام تغییرات دو ارز استفاده می شود . برای مثال اگر قیمت خرید و فروش دلار آمریکا یا یورو در حال حاضر معادل 1.2560 باشد و به مقدار 2 پیپ افزایش پیدا کند، در این صورت مقدار آن 1.2562 خواهد شد .

Margin

مبلغ اولیه مورد نیاز به هنگام ورود به یک پوزیشن میباشد . مارجین ضمانتی برای حسن انجام کار می باشد . میزان مارجین مورد نیاز برای انجام هر معامله به سه عامل سایز پوزیشن، لوریج بروکر و ارز پایه (ارز اول در برابری) بستگی دارد . مارجین هر پوزیشن بلافاصله با بسته شدن آن پوزیشن آزاد می گردد . مارجین بر مبنای ارز پایه محاسبه میشود .
مثال 1 :

فرض کنید شما اقدام به خرید یک لات USDCHF کرده اید . بنابراین سایز معامله شما 100,000 دلار آمریکا (طرف اول) میباشد . اگر لوریج بروکر شما 100 باشد مارجین مورد نیاز برای انجام این معامله $1,000\$ / 100 = 100,000\$$ میباشد . در مثال بالا اگر لوریج بروکر 500 باشد مقدار مارجین $500 / \$100,000 = \200 خواهد بود . مثال 2 : شما اقدام به خرید یک لات EURUSD کرده اید . بنابراین سایز معامله شما 100,000 یورو (طرف اول) میباشد . از آنجا که حساب شما بر حسب دلار آمریکا افتتاح شده باید 100,000 یورو به دلار تبدیل شود تا مقدار مارجین مشخص شود .

اگر نرخ برابری EURUSD در حال حاضر 1.2558 باشد

$$100,000(\text{eur}) = 1.2558 * 100,000(\text{usd}) = 125,580 \$$$

با لوریج 100 مارجین مورد نیاز برای انجام این معامله

$$\text{Margin} = 125,580\$ / 100 = 1,255.8$$

Balance

مجموع پول واریز شده توسط شما و سود و زیان پوزیشن های بسته شده میباشد .

Equity

برابر است با بالانس حساب + سود و زیان پوزیشن های باز .

اگر شما در حسابتان پوزیشن باز نداشته باشید بالانس و برابری (equity) حساب شما با هم برابر خواهند بود .

در واقع Equity حساب شما نشان میدهد اگر شما همه پوزیشن های باز را ببندید موجودی کل شما چند دلار خواهد بود .

Free Margin

سرمایه آزاد شما را نشان میدهد . به عبارتی Margin Free کل پولی که شما میتوانید با آن معامله کنید میباشد .

اگر Margin پوزیشن های باز را از Equity کم کنیم مقدار Free Margin حاصل میشود . Free Margin نشان دهنده میزان سرمایه آزاد برای انجام معاملات جدید است .

مکانیسم انجام معاملات

همانطور که می دانید در بازار سهام عملیات خرید و فروش از طریق کارگزاران انجام می شود . در واقع کارگزاران سفارشات مشتری را انجام می دهند و بابت حق العمل خود کمیسیون دریافت می کنند .

در بازار فارکس هم به همین منوال است یعنی کارگزاران از طریق شبکه های الکترونیکی به بانک ها متصل می شوند و در

هر لحظه نرخ های ارز را از بانک های مختلف جمع آوری می کنند و سپس از طریق نرم افزار اختصاصی معامله که در اختیار مشتریان خود قرار داده اند نرخ های ارز را بواسطه شبکه اینترنت به نرم افزار فوق الذکر ارسال می نمایند. مشتریان نیز سفارشات خود را از طریق همان نرم افزار به کارگزار مربوطه ارائه می کنند البته استفاده از تلفن برای انجام این عملیات امکان پذیر است اما معمول نیست.

سفارش مشتری شامل چهار جزء می باشد: نوع ارز، قیمت، تعیین خرید یا فروش و سایز معامله. بر اساس همین چهار متغیر کارگزار اقدام می کند. ولی کارگزاران بازار ارز همانند کارگزاران بازار سهام کمیسیون دریافت نمی کنند بلکه اختلاف قیمت خرید و فروش به عنوان درآمد آنها محسوب می شود. برای انجام معاملات ارزی مشتری باید با یک کارگزار قرارداد بسته و مبلغی را به عنوان سپرده در بانکی که کارگزار مشخص می کند، سپرده گذاری کند. این سپرده به عنوان پشتوانه انجام معاملات می باشد و به نام خود مشتری تحت تصرف او می باشد. سپس کارگزار نام کاربری و رمز ورود به حساب را به مشتری می دهد تا بوسیله آنها مشتری بتواند از طریق نرم افزاری که در اختیارش قرار گرفته از طریق شبکه اینترنت به حساب شخصی خود دسترسی پیدا کند و به انجام مبادلات ارزی مبادرت ورزد و هر گونه تغییری که در اثر انجام معاملات ارزی حاصل می شود را به طور آنی در حساب خود ملاحظه نماید.

یک واقعیت بسیار مهم!

یکی از واقعیت های بازار بازنده بودن اکثر معامله گران کم تجربه است. در واقع موفقیت در بازار فارکس کاری نیست که هر کسی از عهده آن بر آید. توفیق بلند مدت در این بازار نیاز به تمرین، صبر، مطالعه مداوم، پشتوانه مالی مناسب و صرف وقت و دقت زیاد دارد.

بنابراین سرمایه گذاری در این بازار را به کسانی که تجربه فعالیت و سرمایه گذاری در بازار های High Risk را ندارند توصیه نمی کنیم. با توجه به این واقعیت بدینوسیله اعلام می داریم که مسئولیت تمام تصمیمات شما بر عهده خود شما می باشد.

چگونه باید مظنه فارکس را بخوانیم

قیمتها همیشه به صورت جفت می آیند. مثل GBP/USD یا USD/JPY. علت اینکه مظنه قیمتها به صورت جفت داده می شود این است که در هر معامله در فارکس شما به طور همزمان یک ارز را می خرید و ارز مقابل آن را می فروشید. در اینجا مثالهایی از نرخ تبادل پوند انگلیس و دلار آمریکا بیان می کنیم.

$$\text{GBP/USD} = 1.7500$$

اولین ارز به عنوان ارز پایه (در این مثال پوند انگلستان) و ارز دوم (در این مثال دلار آمریکا) به عنوان ارز مقابل (counter or quote) شناخته می شوند.

در موقع خرید نرخ تبادل به شما می گوید که چه مقداری از واحد ارز مقابل باید بدهید تا یک واحد ارز پایه بخرید. در مثال بالا شما باید 1.7500 دلار آمریکا بپردازید تا یک پوند انگلیس بخرید.

موقع فروش نرخ تبادل به شما می گوید که درازای فروش ارز پایه، چه مقدار از ارز مقابل دریافت می کنید. در این مثال شما با فروش 1 پوند 1.7500 دلار آمریکا دریافت می کنید.

ارز پایه " پایه " خرید یا فروش است. اگر شما EUR/USD می خرید، در واقع مثل این است که شما ارز پایه را می خرید و همزمان ارز مقابل را می فروشید.

اگر فکر می کنید که ارز پایه در مقابل ارز مقابل بالا می رود، جفت ارز را می خرید و اگر فکر می کنید که ارز پایه در مقابل ارز مقابل پایین می آید، جفت ارز را می فروشید.

مفهوم Long / Short

اول باید تعیین کنید که می خواهید بخرید یا بفروشید.

اگر شما می خواهید بخرید (که در واقع به معنی خرید ارز پایه و فروش ارز مقابل است)، پس انتظار دارید که ارز پایه بالا برود و در نهایت به قیمت بالاتری آن را بفروشید. در بین معامله گران این امر به " long position " مصطلح است. فقط به خاطر بسپارید که **long = buy** خرید

اگر می خواهید بفروشید (که در واقع به معنی فروش ارز پایه و خرید ارز مقابل است) شما انتظار دارید که ارز پایه سقوط کند تا شما در قیمت پایین تر آن را بخرید. در بین معامله گران این امر به " short position " مصطلح است. فقط به خاطر داشته باشید که **short = sell** : فروش

spread و bid/ask

تمام مظنه های فارکس دو قیمتی هستند. قیمت bid و قیمت ask. قیمت bid پایین تر از قیمت ask است.

قیمت bid قیمتی است که در آن بازار ارز پایه را در مقابل ارز مقابل می خرد. این بدان معنی است که شما در این قیمت می فروشید.
قیمت ask قیمتی است که در آن بازار ارز پایه را در مقابل ارز مقابل می فروشد. این بدان معنی است که شما در این قیمت می خرید.

تفاوت بین قیمت bid و ask را **اسپرد** می گویند.

بباید نگاهی به یک مثال در این مورد بیندازیم.

در این مظنه قیمت، قیمت bid برابر 1.7445 و قیمت ask برابر 1.7449 است. اگر شما بخواهید GBP را بفروشید تنها روی "Sell" کلیک می کنید و در نرخ تبادل 1.7445 پوند می فروشید. ولی اگر بخواهید پوند بخرید باید آن را در نرخ تبادل 1.7449 بخرید.

مثالهایی از تحلیل بنیادین (Fundamental)

EUR/USD

در این مثال یورو ارز پایه است و بنابراین "پایه" خرید یا فروش محسوب می شود.

اگر فکر می کنید که اقتصاد آمریکا در حال ضعیف شدن است که این امر دلار را ضعیف می کند، شما باید سفارش خرید EUR/USD را بدهید. با این کار شما یورو می خرید. به امید اینکه یورو در مقابل دلار آمریکا رشد خواهد کرد.

اگر فکر می کنید که اقتصاد آمریکا در حال رشد است که این امر دلار را تقویت می کند، شما باید سفارش فروش EUR/USD را بدهید. با این کار شما یورو می فروشید. به امید اینکه یورو در مقابل دلار آمریکا سقوط خواهد کرد.

USD/JPY

در این مثال دلار آمریکا ارز پایه است و بنابراین "پایه" خرید یا فروش محسوب می شود.

اگر فکر می کنید که دولت ژاپن به منظور افزایش صادرات خود در حال تضعیف ین است، شما باید سفارش خرید USD/JPY را بدهید. با این کار شما دلار آمریکا می خرید. به امید اینکه دلار آمریکا در مقابل ین ژاپن رشد خواهد کرد.

اگر شما اعتقاد دارید که سرمایه گزاران ژاپنی در حال خارج کردن سرمایه های خود از بازارهای مالی آمریکا و تبدیل دلارهای خود به ین ژاپن هستند، این کار دلار آمریکا را تضعیف خواهد کرد و بنابراین شما باید سفارش فروش USD/JPY بدهید. چرا که انتظار دارید دلار آمریکا در مقابل ین ژاپن سقوط کند.

GBP/USD

در این مثال پوند انگلستان ارز پایه است و بنابراین "پایه" خرید یا فروش محسوب می شود.

اگر فکر می کنید که اقتصاد انگلستان از آمریکا بهتر عمل می کند و رشد اقتصادی انگلستان بیشتر است، شما باید سفارش خرید GBP/USD را بدهید. با این عمل شما پوند می خرید به امید اینکه در مقابل دلار آمریکا رشد کند.

اگر فکر می کنید اقتصاد انگلستان در حال کند شدن است در حالیکه اقتصاد آمریکا مثل یک گاو قوی است، سفارش فروش GBP/USD را می دهید. چرا که انتظار دارید پوند انگلیس در مقابل دلار آمریکا سقوط کند.

USD/CHF

در این مثال دلار آمریکا ارز پایه است پس خرید و فروش بر "پایه" آن انجام می شود.

اگر فکر می کنید که در حال حاضر فرانک سوئیس بالاتر از قیمت واقعی اش برآورد شده، سفارش خرید USD/CHF می دهید. با این کار شما دلار آمریکا می خرید به امید اینکه در مقابل فرانک سوئیس رشد خواهد کرد.

اگر معتقدید که بازار مسکن آمریکا مانند حسابی می ترکد و این به آینده اقتصاد آمریکا صدمه می زند و در نتیجه دلار را ضعیف خواهد کرد، در نتیجه شما سفارش فروش USD/CHF را می دهید. با این کار شما دلار آمریکا را می فروشید با این انتظار که ارزش آن در مقابل فرانک سوئیس سقوط خواهد کرد.

تحلیل تکنیکال (Technical Analysis):

تحلیل فنی عبارت است از بررسی نرخ های قبلی و روند فعالیت ارز به منظور پیش بینی تغییرات قیمت در آینده. اصلی ترین

نکته در انجام تحلیل فنی آن است که تغییر قیمت شاخص کوچکی از کل اطلاعات بازار است و **الگوهای تغییرات قیمت تمایل به**

تکرار خود دارند.

با این حال مهم ترین مشکل تحلیل فنی تاخیر آن می باشد! یکی دیگر از دلایل مهم انجام تحلیل های فنی آن است که تغییرات قیمت

بصورت اتفاقی رخ نمی دهد و در بیشتر مواقع الگوهای مشخصی دارند. گرچه به نظر می رسد این موضوع برای هر کس که تا

به حال یک بار به جدول نگاه کرده باشد حقیقتی واضح است اما در مورد این مساله بحث داغی در محافل دانشگاهی در جریان

است.

شباهت تحلیل تکنیکی به پیش بینی هواشناسی

تحلیل تکنیکی دقیقاً شبیه پیش بینی هواشناسی است. همان طور که هواشناس از روند گذشته و جاری هوا برای پیش بینی آن در آینده

استفاده می کند، سرمایه گذار نیز از تحلیل تکنیکی و روند گذشته و جاری قیمت سهام برای پیش بینی قیمت های آتی بهره می برد.

هواشناسان با مطالعه و بررسی جریان کنونی و گذشته آب و هوا، فشار جبهه ها و سیستم ها، تغییرات دما و شرایط جوی و غیره

می توانند پیش بینی نسبتاً دقیقی از شرایط آب و هوایی در آینده داشته باشند.

این پیش بینی همان طور که بارها شاهد بوده ایم، عاری از خطا نبوده است، زیرا الگوهای آب و هوایی نیز می توانند به طور غیر

منتظره‌ای تغییر کنند و پیش‌بینی‌ها را بر هم زنند، اما هیچ کس، دقت، کارایی و لزوم پیش‌بینی آب و هوایی را کتمان نمی‌کند. پیش‌بینی هوا برای کسی که در خانه‌ای بدون پنجره نشسته است و هیچ‌گونه ابزاری در اختیار ندارد، کاری مشکل و بلکه غیرممکن است و می‌تواند صرفاً به پیش‌بینی کور و اتفاقی محدود شود. اما همین شخص، با در اختیار داشتن عکس‌های ماهواره‌ای و تصویری واضح از آسمان و جهت وزش باد، می‌تواند پیش‌بینی نسبتاً معقولی از هوای روز بعد به عمل آورد. به همین ترتیب، کوشش برای سرمایه‌گذاری، بدون داشتن دانش و اطلاعاتی از قیمت‌های تاریخی و جاری سهام، اگر نگوییم غیر ممکن، بلکه بسیار مشکل است. اما با توجه به اطلاعاتی که از روی نمودار سهام به دست می‌آید و با در نظر گرفتن روندها، قیمت‌های تاریخی بالا (قیمت تاریخی بالا، بالاترین قیمتی است که سهام در طول دوره معاملات در بورس داشته است)، قیمت‌های تاریخی پایین (قیمت تاریخی پایین، پایین‌ترین قیمتی است که سهام در طول دوره معاملات در بورس داشته است)، سطوح حمایت و مقاومت و حجم مربوط به تغییرات قیمت، می‌توان پیش‌بینی نسبتاً معقولی از روند آینده قیمت سهام داشت. تحلیل تکنیکی نیز همانند علم هواشناسی، عاری از خطا نیست. اما اطلاعاتی که در مورد سهام در نمودار آن قرار دارد، کمکی اساسی به فرآیند سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی روند قیمت سهام در آینده به شمار می‌آید. تحلیل تکنیکی، فرآیند تحلیل قیمت‌های تاریخی اوراق بهادار به منظور پیش‌بینی تغییر قیمت‌های احتمالی در آینده است. ابزار عمده این نوع تحلیل نمودار یا Chart بوده که بر اساس دو اصل عمده استوار است. نمودارها در تحلیل تکنیکی (Charts)

تکنسین‌ها (تحلیلگران تکنیکی) معتقدند که قیمت اوراق بهادار، به‌صورت اتفاقی حرکت نمی‌کند، بلکه «رابطه‌ای» کاملاً نزدیک بین حرکت سهام در گذشته و آنچه که در آینده اتفاق خواهد افتاد، وجود دارد. هدف تکنسین‌ها، یافتن این «رابطه» است تا بتوانند به کمک آن، حرکت سهام را در بازار سرمایه با دقت خوبی پیش‌بینی نمایند. اساسی‌ترین ابزاری که تکنسین‌ها برای این کار نیاز دارند «تصویر» یا «نمودار» است که حرکت سهام را نشان می‌دهد.

مبانی تحلیل تکنیکال

تحلیل تکنیکال عبارتست از بررسی و تحلیل حرکات و مسیر نرخ در گذشته برای پیش‌بینی جهت حرکت در آینده (نزدیک) تکنیکالیست‌ها را گاهی چارتیست نیز می‌نامند زیرا آنها فقط به چارت‌ها توجه کرده و برای پیش‌بینی فقط از آنها کمک می‌گیرند و به سایر روش‌های تحلیل اعتماد ندارند. تحلیل تکنیکال برای تمام بازارهایی که قیمت در آنها تحت تأثیر عرضه و تقاضا تعیین می‌شود کاربرد دارد.

پایه و اساس تحلیل تکنیکال

یک مجموعه منسجم و کامل DOW اساس و شالوده علمی است که امروزه آنرا تحلیل تکنیکال می‌نامند. تئوری DOW تئوری نیست که بتوان از آن به طور مستقیم استفاده کرد در کل مجموعه‌ای از دست‌نوشته‌های چارلز داو در طول چندین سال می‌باشد. مانند بسیاری از قضایای این تئوری نیز به چندین اصل مهم اشاره دارد: قیمت گویای همه چیز است.

Price discount every thing

حرکت قیمت در حالت کلی تصادفی نیست.

Price movement are not totally random

چه چیزی مهمتر است از چرا

what is more important than why

معلول مهمتر است از علت. چه اتفاقی افتاده مهمتر است از اینکه چرا این اتفاق افتاده!

حال به بررسی اجمالی این سه اصل می‌پردازیم:

1- Price Discount Everything

تکنیکالیست‌ها اعتقاد دارند قیمت جاری حاوی تمام اطلاعات است. زیرا تمام اطلاعات و اتفاقات بازار بر قیمت تأثیر گذاشته‌اند. بنابراین قیمت ارزش واقعی را نشان می‌دهد و این پایه و اساس تحلیل تکنیکال است.

2- Price Movement are not totally random

بسیاری از تکنیکالیست‌ها با روند دار بودن و هدفدار بودن حرکت قیمت موافق‌اند و بسیاری نیز پیرو دیدگاه بودن بازار در هنگامی که روند ندارد را تصدیق می‌کنند.

**** اگر قیمت همیشه روند تصادفی داشت کسب سود در بازار بینهایت مشکل بود****
حتی اگر قیمت ها شاهد دوره های گسترده ای از حرکات تصادفی باشند قطعاً در بین آنها دوره های کوتاه تری از رفتارهای غیر تصادفی پراکنده شده است. در نهایت ما به عنوان تکنیکالیست باید بپذیریم که تشخیص روندها با کمک ابزارهای تکنیکی امکان پذیر است و سرمایه گذاری باید در جهت روندهای شکل گرفته انجام شود.

3- what is more important than why

در واقع تکنیکالیست ها بر مسیر طی شده توسط قیمت متمرکز هستند و به علت آن کاری ندارند. بنابراین تکنیکالیست ها به دو چیز توجه دارند.

الف - قیمت کنونی چقدر است.

ب - گذشته تغییرات قیمت چگونه بوده اینکه چرا گذشته قیمت اینگونه بوده برای آنها اهمیت ندارد.
قیمت یا نرخ نتیجه نهایی نبرد بین نیروهای وارد بر آن از طرف عرضه و تقاضا می باشد. هدف از تحلیل تکنیکال و آنالیز نوسانات تعیین جهت حرکت در آینده می باشد. با تمرکز بر روی قیمت و فقط بر روی قیمت تحلیل تکنیکال یک روش مستقیم را ارائه می دهد. فاندمنتالیست ها علاقمند هستند بدانند چرا قیمت این مقدار است؟ چرا قیمت بالا آمده؟ تکنیکالیست ها بر چقدر تمرکز دارند و با چرا کاری ندارند.

من پول کافی برای خرید 10,000 یورو را ندارم . آیا هنوز می توانم معامله کنم ؟

شما می توانید با پرداخت وجه الضمان به معامله بپردازید که به آن معامله با وثیقه (Margin Trading) می گویند . در این نوع معاملات ، انجام معامله با فرض کردن سرمایه صورت می گیرد . در اینجاست که شما با داشتن تنها 500 یا هزار دلار می توانید به معاملات 10,000 تا 100,000 دلاری بپردازید.

معامله با وجه الضمان یا مارجین تریدینگ در بازار فارکس با واحد لات " lots " سنجیده می شوند فعلاً " لات " را حداقل مبلغی در نظر بگیرید که باید بخرید . وقتی شما به یک سوپر می روید نمی توانید یک تخم مرغ بخرید بلکه آن را باید با واحد ان مثلا شانه 12 تایی ، 24 تایی یا " لات " های 12 بخرید.

در بازار فارکس خیلی مسخره است که بخواهید 1 دلار یورو بخرید یا بفروشید . " لات " ها معمولاً با توجه به نوع حسابتان به صورت \$ 10,000 یا \$ 100,000 هستند.

برای مثال :

- فکر می کنید که سیگنالهای بازار حکایت از صعود پوند انگلستان در مقابل دلار آمریکا دارند . شما یک لات (\$ 100,000) حساب خرید با وجه الضمان (مارجین) 1% و در قیمت 1.5000 باز میکنید و منتظر بالا رفتن نرخ تبادل می شوید . این بدان معناست که شما با 1,000 \$ حساب وارد معامله خرید 100,000 \$ پوند انگلستان شده اید .
- پیش بینی شما درست از آب در می آید و شما موقعیت خود را در نرخ تبادل 1.5050 می بندید . شما پنجاه پیپ (Pip) یا در حدود 500 \$ سود کردید . (یک پیپ برابر است با کوچکترین تغییر قیمت نرخ یک ارز) تا حالا که 50% پولی که داشتید سود کردید .

وقتی معامله خود را می بندید ، وجه الضمان با احتساب سود یا ضرری که کرده اید به شما پس داده می شود . پس سود یا ضرر شما با حسابتان جمع می شود .

(Rollover) چیست ؟

شما باید برای موقعیتهایی که در غیر ساعات کاری کارگزار خود (معمولاً 5 بعدازظهر به وقت اروپا) دارید ، با توجه به نوع موقعیت و مقدار پولی که در حسابتان دارید ، بهره بدهید یا بگیرید . اگر تمایل به دریافت یا پرداخت بهره ندارید ، حواستان باشد که موقعیتهای خود را قبل از ساعت 5 بعدازظهر به وقت اروپا ببندید.

از آنجاییکه هر معامله ارز با ارز ، مستلزم این است که با فرض کردن یک ارز ، ارز دیگری را بخریم ، بهره رل اور جزئی از بازار فارکس است . بهره با ارزی که فرض گرفته می شود ، پرداخت می شود ویا ارزی که خریده شده دریافت می گردد . اگر بهره ارزی که مشتری می خرد از بهره ارزی که فرض گرفته است بیشتر باشد ، تفاوت خالص مثبت است . (مثل USD/JPY و مشتری مقدار پول از این طریق بدست می آورد.

معامله کردن به صورت مجازی یا دمو (Demo Trading)

شما می توانید با بیشتر کارگزارهای فارکس یک حساب دمو باز کنید . این حساب تمام امکانات یک حساب واقعی را دارد . اما چرا رایگان است ؟ زیرا کارگزاران می خواهند شما خم و چم سکوی معاملاتی (trading platform) و اوقات خوب و بدون ریسکی را بگذرانید و بعد عاشق شان شوید و با آنها یک حساب واقعی باز کنید . حسابهای دمو شما این امکان را می دهند که بازار فارکس را یاد بگیرید و مهارتهای معاملاتی خود را بدون هیچ ریسکی محک بزنید . شما حتماً باید حداقل یک سال با حساب دمو کار کنید ، قبل از اینکه حتی فکر حساب واقعی به مغزتان خطور کند

دوباره تکرار می‌کنم. شما حتما باید حداقل یک سال با یک حساب دمو کار کنید، قبل از اینکه حتی فکر حساب واقعی به مغزتان خطور کند.
بیانیه "پولت را هدر نده"
دست خود را روی سینه تان بگذارید و بگویید ...

"من قبل از باز کردن یک حساب واقعی حداقل یک سال با دمو کار می‌کنم".
حال پیشانی خود را با انگشت سیبانه خود لمس کنید و بگویید...

"من یک تریدر باهوش و صبور فارکس هستم".

در اینجا می‌خواهیم کمی حساب کتاب کنیم. به احتمال زیاد لغات "pips" پِیپ و "lots" لات به گوشتان خورده است. در اینجا می‌خواهیم توضیح بدهیم که اینها چه هستند و چگونه محاسبه می‌شوند.
روی این اطلاعات وقت زیادی صرف کنید، چرا که دانش‌های اساسی ورود به بازار فارکس هستند. تا زمانیکه با ارزش پِیپ‌ها و نحوه محاسبه سود و ضرر آشنا نشده‌اید، حتی فکر ورود به بازار فارکس را نکنید.

پِیپ (pip) چیست؟

رایج‌ترین نرخ افزایش یک ارز را پِیپ گویند. مثلا اگر EUR/USD از 1.2250 به 1.2251 برود، به آن یک پِیپ افزایش می‌گویند. یک پِیپ آخرین رقم اعشار بعد از ممیز است. پِیپ است که نحوه محاسبه سود و ضرر را معلوم می‌کند.
از آنجاییکه هر ارزی قیمت خودش را دارد، لازم است که برای هر ارز پِیپ خودش را محاسبه کنیم. در ارزی که دلار آمریکا یکی از جفت ارز است، محاسبه پِیپ به صورت زیر انجام می‌شود.
فرض می‌کنیم نرخ تبادل USD/JPY برابر 119.80 است. (توجه داشته باشید این جفت ارز تنها با دو رقم اعشار بیان می‌شود، سایر جفت ارزها معمولا با چهار رقم اعشار گفته می‌شوند.)
در این مورد هر پِیپ برابر 0.01 خواهد بود.
بنابراین:

USD/JPY : 119.80

0.01 تقسیم بر نرخ تبادل، ارزش هر پِیپ را به ما می‌دهد.

در نتیجه ارزش یک پِیپ برابر است با

$$119.80 / 0.01 = 0.0000834$$

عدد طولانی‌ای به نظر می‌رسد ولی بعدا اندازه لات را هم توضیح می‌دهیم.

USD/CHF: 1.5250

تقسیم بر نرخ تبادل 0.0001 ارزش هر pip 1.5250 / 0.0001 = 0.0000655

USD/CAD: 1.4890

تقسیم بر نرخ تبادل 0.0001 ارزش هر pip 1.4890 / 0.0001 = 0.00006715

درمثالهای بعدی دلار را مقابل است و ما باید برای محاسبه ارزش هر پِیپ محاسبات بیشتری انجام دهیم.

EUR/USD: 1.2200

تقسیم بر نرخ تبادل 0.0001 ارزش هر pip 1.2200 / 0.0001 = EUR 0.00008196

اما ما می‌خواهیم دلار بگیریم. پس محاسبه زیر را انجام می‌دهیم.

EUR * Exchange rate

بنابراین

$$0.00008196 * 1.2200 = 0.00009999$$

که وقتی گرد شود می‌شود 0.0001:

GBP/USD: 1.7975

تقسیم بر نرخ تبادل 0.0001 ارزش هر pip 1.7975 / 0.0001 = GBP 0.0000556

اما ما می‌خواهیم دلار بگیریم. پس محاسبه زیر را انجام می‌دهیم.

GBP * Exchange rate

بنابراین

$$0.0000556 * 1.7975 = 0.0000998$$

که وقتی گرد شود می‌شود 0.0001:

ممکن است الان چشم‌هایتان گرد شود و با خود بگویید آیا برای هر معامله‌ای این محاسبات لازم است؟ باید بگوییم که شانس آورده‌اید. لازم نیست و تمام این محاسبات را کارگزاران برای شما انجام می‌دهد. اما دانستن نحوه انجام این محاسبات به دردتان می‌آید.

خورد.

در بخش بعدی نشان می دهیم که چگونه این ارقام به ظاهر ناچیز به درد می خورند.

لات چیست ؟

واحد انجام معاملات در فارکس لات است . اندازه استاندارد برای هر لات برابر 100,000 دلار است . لات یک اندازه مینیم هم دارد که برابر 10,000 دلار است . همانطور که قبلا آموخته اید تغییرات نرخ ارزها با پیپ ها اندازه گیری می شوند ، که برابر با کوچکترین واحد افزایش قیمت ارز است . برای اینکه بتوانید از این افزایش های بسیار ، سودهای بزرگی ببرید باید معاملاتی با حجم زیاد بکنید.

اندازه لات استاندارد 100,000 دلار است . در اینجا محاسباتی انجام می دهیم تا نشان دهیم که این اندازه چه مقدار بر روی ارزش پیپ ها تاثیر می گذارد.

با نرخ تبادل 119.80 USD/JPY

$$\$100,000 = \$8.34 \quad (119.80 / 0.01) \text{ در هر پیپ}$$

یعنی هر پیپ تغییر دلار/ین به ازای یک معامله 100,000 دلاری (1 لاتی) 8.34 دلار ارزش دارد.

با نرخ تبادل 1.4555USD/CHF

$$\$100,000 = \$6.87 \quad (1.4555 / 0.0001) \text{ در هر پیپ}$$

در موردی که دلار ارز پایه نیست ؛ محاسبات کمی فرق می کند.

با نرخ تبادل 1.1930EUR/USD

$$EUR 100,000 = EUR 8.38 * 1.1930 = \$9.99734 \quad (1.1930 / 0.0001) \text{ که وقتی گرد شود، می شود } \$10 \text{ در هر پیپ}$$

GBP/USD at an exchange rate of 1.8040

$$GBP 100,000 = 5.54 * 1.8040 = 9.99416 \text{ r} \quad (1.8040 / 0.0001) \text{ که اگر گرد شود ، می شود } \$10 \text{ در هر پیپ}$$

کارگزار شما ممکن رسم خودش را برای محاسبه ارزش پیپ داشته باشد . ولی هر چه باشد می تواند در هر زمانی که بخواهید ارزش هر پیپ از ارز مورد معامله تان را به شما بدهد.

ضرر و سود هر معامله را چگونه باید حساب کنم ؟

حالا که یاد گرفتید که چگونه ارزش یک پیپ را محاسبه کنید ، بیایید نگاهی به نحوه محاسبه سود و ضررتان بیندازیم.

بیایید دلار آمریکا بخریم و فرانک سوئیس بفروشیم. کی به کیه !

نرخ تبدالی که در آن معامله می کنیم 1.4525/1.4530 است . چرا که در موقع خرید باید در نرخ تبادل 1.4530 بخرید ، زیرا معامله گران دیگر در این قیمت حاضر به فروش هستند.

پس شما یک لات 100,000 دلاری در نرخ تبادل 1.4530 می خرید.

چند ساعت بعد ، قیمت به 1.4550 می رسد و شما تصمیم می گیرید معامله تان را ببندید.

نرخ جدید تبادل برای USD/CHF 1.4550/1.4555 است . از آنجاییکه شما خرید کرده اید و حال می خواهید معامله تان را ببندید ، پس اکنون باید برای بستن معامله بفروشید . پس در قیمت 1.4550 می فروشید . چرا که سایر معامله گران در این قیمت از شما می خرند.

تفاوت بین 1.4530 و 1.4550 برابر 50 پیپ است.

با استفاده از فرمولی که از قبل داشتیم ، ما اکنون $6.87 = \$100,000 * (1.4550 / 0.0001)$ در هر پیپ سود کرده ایم . که به ازای 20 پیپ برابر می شود با $137.40 = \$6.87 * 20$

به خاطر داشته باشید که وقتی وارد یک معامله می شوید یا از آن خارج می شوید باید اسپرد خرید یا فروش را در نظر بگیرید.

شما یک ارز را به قیمت کمتر از قیمت واقعی آن در بازار می فروشید و آن را به قیمت بیشتر از قیمت واقعی آن در بازار می خرید .

پس در واقع وقتی شما یک ارز را می خرید در همان لحظه ورود به معامله اسپرد آن را می پردازید و هنگامی که یک ارز را می فروشید ، در هنگام خروج از معامله اسپرد آن را می پردازید.

اهرم چیست ؟

شما ممکن است در شگفت باشید که چگونه یک سرمایه گذار کوچکی مثل شما قادر به معامله حجم زیادی از سرمایه است . فکر کنید که بانک شما به شما 100,000 دلار قرض می دهد تا با آن به سرمایه گذاری بپردازید و تنها چیزی که از شما می خواهد مبلغ 1,000 دلار است که شما باید به عنوان وجه الضمان در اختیار بانک بگذارید . بیش از اندازه خوب به نظر می رسد ، مگر نه ؟ خب ،

معامله اهرمی در فارکس هم به همین صورت انجام می شود.

میزان اهرم مورد استفاده تان هم به کارگزار شما و خود شما بستگی دارد.

معمولا کارگزاران یک حداقل حسابی را در نظر می گیرند که به عنوان حساب وجه الضمان (account margin) یا وجه الضمان اولیه نامیده می شود . وقتی شما این حساب را نزد کارگزار باز می کنید ، آن گاه قادر به معامله هستید . کارگزاران همچنین میزان پولی را

که به ازای هر لات لازم است را تعیین می کنند.

برای مثال برای هر 1000 دلاری که در حسابتان دارید ، می توانید 100,000 دلار معامله کنید . بنابراین اگر 5000 دلار در حسابتان داشته باشید تا 500,000 دلار قادر به معامله هستید.

این وجه الضمان یا مارجین برای هر کارگزاری متفاوت است . مثلا در مثال بالا مارجین کارگزار مورد نظر 1% است . که به این معنی است که این کارگزار برای هر 100,000 دلاری که معامله می شود ، 1000 دلار به عنوان یک حساب ذخیره شده در نزدش می

خواهد.

مارجین کال به چه معنی است ؟

هر زمانی که حساب شما در نزد کارگزار از اندازه مارجین در نظر گرفته شده کمتر باشد ، کارگزار شما تمام یا بخشی از معاملات شما را می بندد . این امر از منفی شدن حساب شما حتی در یک بازار بسیار پر نوسان و سریع جلوگیری می کند.

مثال شماره 1

فرض کنید که شما با 2000 دلار نزد یک کارگزار حساب باز می کنید (که البته فکر خوبی نیست) . بعد وارد یک معامله یک لاتی EUR/USD می شوید که مارجین لازم برای آن 1000 دلار است . مارجین قابل استفاده مارجینی است که می توانید از آن برای باز کردن معاملات جدید استفاده کنید . از آنجاییکه شما با 2000 دلار شروع کرده اید ، پس مارجین قابل استفاده شما (usable margin) برابر 2000 دلار است . اما شما یک لات معامله باز کرده اید پس اکنون مارجین قابل استفاده شما 1000 دلار است . اگر ضرر شما از مارجین قابل استفاده شما بیشتر شود ، شما کال مارجین می شوید.

مثال شماره 2

فرض کنیم که شما یک حساب فارکس با 10,000 دلار باز می کنید . و بعد وارد یک معامله یک لاتی با مارجین مورد نیاز 1000 دلار می شوید . به خاطر داشته باشید که مارجین قابل استفاده پولی است که شما برای باز کردن موقعیت های جدید یا بستن معاملات ضرر ده لازم دارید . بنابراین قبل از این معامله مارجین قابل استفاده شما 10000 دلار و بعد از آن 9,000 دلار است .

اگر ضرر شما بیش از 9,000 دلار شود ، شما کال مارجین می شوید . مطمئن شوید که تفاوت معنی مارجین استفاده شده (used margin) و مارجین قابل استفاده (usable margin) را خوب فهمیده باشید.

اگر حساب شما (equity) با ضررهایی که می کنید ، از اندازه مارجین قابل استفاده بیشتر شود یا باید این کمبود را تامین کنید یا اینکه کارگزار شما معامله شما را می بندد تا از ریسک شما و خودش بکاهد . در نتیجه شما هیچوقت بیش از پولی که در حسابتان هست از دست نمی دهید.

اگر می خواهید با اینگونه حسابها کار کنید ، اطلاعات دقیقی از سیاستهای کارگزاران در مورد نحوه برخورد با مارجین ها کسب کنید . مثلا بهتر است بدانید که بیشتر کارگزاران برای آخر هفته ها مارجین بیشتری (مثلا 2%) را طلب می کنند . مثلا ممکن است مارجین در طول هفته 1% باشد و آخر هفته به 2% افزایش پیدا کند .

موضوع مارجین موضوع حساسی است و عده ای معتقدند که مارجین بالا بسیار خطرناک است . همه آن به شخص بستگی دارد . فقط مهم است که اطلاعات دقیقی از سیاستهای کارگزار خود در رابطه با مارجین داشته باشید و ریسک آن را کاملا درک کرده و پذیرفته باشید.

بعضی از کارگزاران اهرم خود را به صورت نسبت اهرمی و بعضی دیگر به صورت مارجین درصدی بیان می کنند . نسبت ساده ای بین این دو تعریف وجود دارد که عبارت است از:

اهرم = درصد مارجین / 100 (Leverage = 100 / Margin Percent)

درصد مارجین = اهرم / 100 (Margin Percent = 100 / Leverage)

اهرم به طور قراردادی به صورت نسبتی نشان داده می شود . مثلا 100:1 یا 200:1

انواع Order های پایه یا سفارش

در اینجا چندین نوع Order وجود دارند که تمام کارگزاران آنها را ارائه می دهند و انواع دیگری هم وجود دارند که خیلی عجیب به نظر می رسند.

مارکت اوردر (Market order)

مارکت اوردر یک Order خرید یا فروش در قیمت جاری بازار است . برای مثال EUR/USD در حال حاضر در قیمت 1.2140 معامله می شود . اگر شما می خواهید دقیقا در همین قیمت خرید کنید ، کلید buy را کلیک می کنید و پلت فرم معاملات شما در چشم به هم زدنی این خرید را دقیقا در همان قیمت انجام می دهد . اگر تا بحال به طلا فروشی رفته باشید تقریبا

کاری مشابه را انجام داده اید . به طلا فروش میگویید قیمت سکه چند است و او میگوید مثلا 200 هزار تومان و شما میگویید میخوامم و سکه را میخرید . در اینجا به جای سکه شما یک ارز را در مقابل ارزی دیگر میخرید .

لیمیت اوردر (Limit order)

لیمیت اوردر ، Order است که برای خرید یا فروش در یک قیمت خاص ، تنظیم می شود . این Order ضرورتا شامل دو متغیر قیمت و مدت زمان است . برای مثال ، نرخ تبادل EUR/USD در حال حاضر 1.2050 است ولی شما می خواهید وقتی به 1.2070 رسید ، بخرید یا بفروشید .

شما هم می توانید پای کامپیوترتان بنشینید و منتظر 1.2070 بشوید و بعد Order خرید یا فروش را با کلیک روی کلید buy یا sell بدهید و یا اینکه یک لیمیت اوردر تنظیم کنید که در قیمت 1.2070 این کار را برای شما بکند و خودتان از پشت کامپیوتر برخاسته و سراغ دیگر کارهایتان بروید . وقتی قیمت به 1.2070 رسید پلت فرم معاملات شما به طور خودکار

خرید و یا فروش را برای شما و دقیقاً در همان قیمت انجام می دهد . شما هم قیمت دقیق خرید و یا فروش یک جفت ارز مشخص را تعیین می کنید و هم مدت زمانی را که می خواهید Order شما فعال بماند (GTC or GFD) .

اوردرد استاپ لاس (Stop-loss order)

یک Order استاپ لاس که به فارسی میتوان آن را حد ضرر نامید یک سفارش برای بستن معامله باز ، برای اینکه از ضررهای اضافی در زمانی که قیمت برخلاف پیش بینی شما حرکت می کند ، جلوگیری کند . یک استاپ لاس اوردرد تا زمانی که معامله شما باز است یا شما آن را (استاپ لاس اوردرد را) کنسل نکرده اید ، فعال خواهد بود . برای مثال شما می خواهید که EUR/USD را در قیمت 1.2230 بخرید . برای اینکه حداکثر ضرر خود را محدود کنید ، یک استاپ لاس اوردرد در قیمت 1.2200 می گذارید . این بدان معنی است که اگر پیش بینی شما درست از آب در نیامد و EUR/USD به 1.2200 سقوط کرد ، پلت فرم معاملاتی شما به طور خودکار یک فروش انجام دهد و معامله شما را با 30 پیپ ضرر ببندد . استاپ لاس ها در زمانهایی که شما نمی توانید زیاد پشت مانیتورتان باشید بسیار مفید هستند.

موارد خاص در Order ها

در تنظیمات Order (سفارش) خود با توجه به کارگزار میتوانید موارد زیر را ذکر کنید:

GTC = Good til canceled

یک GTC Order تا زمانیکه خود شما آن را کنسل نکرده اید به طور فعال باقی می ماند . کارگزار فارکس شما هیچ وقت آن را برای شما کنسل نمی کند . بنابراین مسئولیت سفارش با خود شماست.

GFD = Good for the day

یک GFD Order تا آخرین ساعت یک روز کاری فعال باقی می ماند . از آنجاییکه بازار فارکس یک بازار 24 ساعته است ، این ساعت معمولاً همان ساعت 5 عصر به وقت اروپا است که در آن ساعت بازار آمریکا تعطیل می شود . البته تاکید می کنم حتماً این ساعت را با کارگزار خود چک کنید.

OCO=Order cancels other این را همه بروکرها پشتیبانی نمیکنند

Account	<p>یک OCO ترکیبی از دو لیمیت اوردرد یا دو استاپ لاس اوردرد است . دو اوردرد با قیمت و مدت زمان در بالا و پایین قیمت جاری قرار داده می شوند . هنگامی که یکی از اوردردهای اجرا شود ، دیگری کنسل می شود . مثال قیمت EUR/USD برابر 1.2040 می باشد . شما یک اوردرد خرید در 1.2095 بالای سطح مقاومت و به امید بالارفتن قیمتتها قرار می دهید . همچنین اوردرد فروش را در قیمت 1.1985 قرار می دهید . اگر قیمت به 1.2095 رسید ، اوردرد خرید شما انجام می شود و اوردرد فروش تان به طور خودکار کنسل می شود.</p> <p>همیشه با کارگزار خودتان برای جزئیات بیشتر اوردردها در تماس باشید و ببینید که آیا اگر موقعیتهایتان برای مدت بیش از یک روز باز بود ، نیازی به پرداخت Rollover دارید یا نه .</p> <p>سفارشهای خاص متاتریدر 4 : MetaTrader</p> <p>sell limit : در صورت رسیدن قیمت به مقداری خاص (بالتر از قیمت فعلی) فروش انجام می دهد .</p> <p>sell stop : با رسیدن قیمت به مقداری خاص (پائین تر از قیمت فعلی) فروش انجام می شود. حرفه ای ترها و کسانی که در جهت روند ترید میکنند از این دستور برای فروش استفاده میکنند</p> <p>buy limit : با رسیدن قیمت به مقداری خاص (پائین تر از قیمت فعلی) خرید انجام می دهد .</p> <p>buy stop : با رسیدن قیمت به مقداری خاص (بالتر از قیمت فعلی) خرید انجام می دهد . حرفه ای ترها و کسانی که در جهت روند ترید میکنند از این دستور برای خرید استفاده میکنند</p> <p>خلاصه</p> <p>اوردردهای پایه (مارکت ، لیمیت و استاپ لاس) برای بیشتر تریدرها کافی هستند . مگر اینکه شما یک معامله گر کهنه کار باشید . زیاد خیال پردازی نکنید و سیستمی طراحی نکنید که تعداد زیادی اوردرد بهم پیچیده در بازار دارد . اول به چیزهای آسان بچسبید</p> <p>قبل از اینکه وارد معامله ای شوید ، سعی کنید به طور کامل از سیستم ورودی Order کارگزارتان مطلع شوید</p> <p>تا هنگامی که کاملاً با سیستم Order کارگزارتان راحت نشده اید ، وارد معاملات</p>
---------	--

	واقعی نشوید.
	حساب , به اصل حساب افتتاح شده نزد یک بانک یا کارگزار گفته میشود .
Anecdotal	شایعات و شنیده هایی که در بازار به سرعت گسترش می یابد .
Announcement	اظهاریه , مربوط به اظهاریه بعد از نشست کمیته های تصمیم گیرنده بانکهای مرکزی در مورد نرخ بهره و دیگر مسائل مالی .
Anticipation	پیش بینی مربوط به پیش بینی قیمت توسط تحلیل گران
Appreciation	ارزش یافتن , افزایش نرخ یک ارز در مقابل ارز دیگر
Assets	دارائی ها , به مجموع دارائیهای نقدی یا غیر نقدی یک شخص یا موسسه گفته میشود
Auction	حراج , به حراجی یک کالا , سهام و یا ملک گفته میشود
Average	میانگین , متوسط
Balance	موازنه تعادل , اشاره به بالانس حساب بعد از بسته شدن تمامی معاملات فعال دارد .
Bankruptcy	ورشکستگی , اشاره به اعلام ورشکستگی اشخاص , موسسات یا شرکتهای دارد .
Bar chart	نمودار بار , نوعی از نمودار همراه با قیمت بالا , پایین و فعلی در بازه مشخص زمانی .
Basis	پوینت پایه , کوچکترین واحد تغییرات نرخ بهره .
Bear	خرس , اشاره به روند نزولی در نمودارهای قیمت ارز , کالا و سهام دارد .
Bearish market	بازاری که روند کلی آن در یک بازه زمانی نزولی باشد .
Benchmark	به نرخ و ارزش یک واحد از سبد سهام موجود در هر بازار بورس سهام گفته میشود .
Bid	نرخ خرید یک ارز , کالا یا سهام توسط خریدار (بازار ساز یا کارگزار) یا بالاترین قیمت ممکنه برای فروش یک محصول تجاری توسط معامله گر .
BOE Bank Of England	نام اختصاری برای بانک مرکزی انگلستان .
Board of Trade Clearing Corporation	شرکتی مستقل در بازار سهام شیکاگو که تمامی معاملات انجام شده در این مرکز توسط آنها به تایید نهایی رسیده و گارانتی میشود .
Broker	کارگزار , واسطه بین مشتری (معامله گر) و بازار فارکس
Brokerage Fee	کمیسیون دریافتی کارگزار از معامله گران در ازای انجام یک سفارش
Budget Deficit	بودجه , اشاره به کسری بودجه برخی کشورها
Bullish Market	گاو نر , اشاره به روند افزایشی در نمودار قیمت .
Buy	خرید , اشاره به خرید ارز , کالا و یا سهام .
Cable	پوند انگلستان , اصطلاحی برای پوند انگلستان در بازار فارکس .
Calendar Economic	تقویم , مربوط به تقویم زمانبندی انتشار شاخصهای اقتصادی
Capacity Utilization	میزان درصدی بهره وری از کل ظرفیتهای واحد تولیدی
Capita	سرمایه , اصل سرمایه ابتدایی نزد سرمایه گزار
Cash	نقد , پول نقد
Central Bank	بانک مرکزی
OF Biritish Industry CBI Confedration	کنفدراسیون صنعت بریتانیا
Chart	نمودار قیمت ارز , کالا یا سهام
Charting Tool	سرویس نمودارهای قیمت که توسط برخی نرم افزار های معامله ارائه میشود
Client	مشتری , سرویس گیرنده از بانک , کارگزار و یا هر مرکز مالی دیگر
Climate Business	وضعیت اقلیمی , اشاره به شاخصهای مربوط به وضعیت تجاری هر کشور
Closing Price	آخرین قیمت پرداخت شده برای یک ارز کالا یا سهام
Commercial	بازرگانی , تجاری
COM membership	اجازه عضویت و معامله کالا توسط اشخاص مستقل در بورس شیکاگو
Commission Fee	حق العمل , کمیسیون دریافتی در ازای انجام سفارش خرید و فروش
Commodity	کالا , به کالاهای قابل معامله در بازارهای جهانی گفته میشود (نفت , طلا , نقره و ..)
Comparison	مقایسه یک ارز با ارز دیگر
Confidence	اعتماد , رضایت و اطمینان . اشاره به شاخص رضایت مصرف کنندگان .
Consensus	اجماع اکثریت . اشاره به پیش بینی اکثریت معامله گران در بازار
Consolation	تسلیت , دلداری . اشاره به رفتارهای پس از ضرر در بین معامله گران .
Consumer	مصرف کننده
Continental	اقلیمی , قاره ای , اشاره به تاثیر یک رویداد اقتصادی یا سیاسی در بعد فیزیکی آن
Convention	کنوانسیون , نشست یک شورای همکاری های اقتصادی یا سیاسی
Convergence	تقارب , هم گرایی دو خط به یکدیگر . اشاره به الگوی کانورژانس در نمودار قیمت

Credit Card	کارت اعتباری , خرچکرد قبل از پرداخت بوسیله کارت های مغناطیسی
Cross Pairs	به جفتهای ارزی گفته میشود که شامل دلار امریکا (USD) نباشد .
Currency	ارز , اصطلاحی برای پول خارجی
Crude Oil	نفت خام
Customer	مشتری
Debit Card	کارت بدهکاری , کارتهایی که تنها به میزان موجودی قابل استفاده میباشدند
Decade	دهه , به یک دوره ده ساله در کارنامه یک شرکت یا موسسه مالی گفته میشود
Decline	کاهش , به کاهش نرخ یک ارز, کالا یا سهام در مقایسه با قیمتهای قبلی گفته میشود
Deflation	کاهش عمومی قیمتها در مقایسه با سال گذشته (مخالف تورم)
Deficit	کسری , اشاره به کسری بودجه ناشی از کسری صادرات نسبت به واردات
Delivery	تحویل , اصطلاحی است که به تحویل ارز , کالا یا سهام خریداری شده در تاریخ تعیین شده در آینده در بازار Future اشاره میکند
Demand	تقاضا , مربوط به اصل عرضه و تقاضا
Deposit	سپرده , سرمایه نقدی سپرده شده نزد بانک یا کارگزار توسط معامله گر
Depreciation	کاهش ارزش , کاهش نرخ یک ارز در مقابل ارز دیگر
Dept	بدهی , بدهی و تعهدات مالی اشخاص , موسسات یا دولتها
Divergence	واگرایی , افتراق . به دورشدن دو خط در نمودار قیمت
Documentary	مستند , اسناد ارائه شده موسسات و شرکتهای
Domestic	داخلی , محلی , اشاره به بازارهای مصرف و تولیدات داخلی هر کشور
Doubt	تردید , شک .
Draft	حواله , برات
Durable	بادوام , پای
Durable Goods	بادوام , پایدار , کالاهای با عمر بیش از 3 سال (اتومبیل , یخچال , تلویزیون و ..)
Earning	سود , سود بردن
ECB European Central Bank	بانک مرکزی اتحادیه اروپا
Economical	اقتصادی , صرفه جویانه
Employee	کارفرمایی
Employment	اشتغال
EMS European Monetary System	سیستم مالی و پولی اتحادیه اروپا
EMU European Monetary Union	اتحادیه پولی اروپا (منطقه یورو)
Energy	انرژی , اشاره به بحث نفت و تاثیرات آن بر بازارهای مالی دارد
Equilibrium Price	قیمت در حالتیکه میزان عرضه با تقاضا برای یک محصول تجاری برابرگردد
Euro	واحد پول اتحادیه پولی اروپا (12 کشور)
Evidence	گواهی , شهادتنامه . اشاره به گواهی مجمع مرکزی بورس در صورت استعلام
Exceed	متجاوز شدن , بالغ شدن از ... اشاره به رکورد جدیدی از قیمت یا تولید کالا
Exchange Rate	نرخ تبدیل دو ارز نسبت به یکدیگر
Expectation	انتظارات , انتظارات معامله گران در مورد نرخ یک ارز , کالا یا سهام
Expiration Date	به تاریخ به پایان رسیدن مدت یک قرارداد در بازار Future گفته میشود
Export	صادرات , به مجموع صادرات کالا و خدمات گفته میشود
Fall	سقوط , اشاره به سقوط قیمت یک ارز نسبت به دوره قبلی
Federal (Fed) Reserve	خزانه داری فدرال ایالات متحده امریکا
Financial	دارایی , مالی , بخشی از تجارت که به مدیریت دارایی و سرمایه میپردازد
FloatingExchange Rate	نرخ تبادلات ارزی شناور
Fluctuation	نوسان , بالا و پایین رفتن نرخ در یک بازه زمانی
FOMC Federal Open Market Committee	کمیته مرکزی بازار و بانک مرکزی ایالات متحده امریکا که به تصمیم گیری در مورد نرخ بهره میپردازند
Forecast	پیش بینی , پیش بینی نرخ ارز, کالا یا سهام توسط تحلیل گران Foreign - خارجی
Foreign Exchange FX	بازار تبادلات خارجی
Forward Contract	به قراردادی اطلاق میگردد که زمان تحویل آن در آینده باشد
Fund	سرمایه , پول سرمایه گذاری شده در یک حساب جهت معامله
Fundamental	مکتب تحلیل اخبار و رویدادها در اقتصاد

Future market	بازاری که قراردادها در آن بر اساس ماهیت تحویل در آینده انجام میشود
Gamma	واحد سنجش سرعت تغییرات قیمت در بازار Future
GDP Gross Domestic Product	تولید ناخالص داخلی
Green back	اصطلاحی برای دلار امریکا در بازار فارکس
Gross Profit	سود ناخالص، سود حاصله قبل از کسر مالیات یا کمسیون
Hedging	قل کردن میزان سود و ضرر
High	بالاترین قیمت ثبت شده در یک بازه زمانی مشخص
Hike	پرش های شدید و ناگهانی قیمت
Holder Account	مالک حساب (در فارکس یا یک حساب بانکی عادی)
Illiquidity	رکورد، عدم جریان نقدینگی در یک بازار مشخص
Income	درآمد، مجموع درآمد های هر شخص، شرکت یا موسسه مالی
Incur	خسارت دیدن، تحمل خسارت توسط شرکتهای بیمه
Index	شاخص
Indicator	نشانگر، اندیکاتور
Indices	شاخصها، مترادف Index
Industry	صنعت
Inflation	تورم، افزایش عمومی قیمت کالاها و خدمات نسبت به سال گذشته

ایندیکاتور MaxP

سیستم MaxP حاصل تلاش بلند مدت گروهی از برنامه نویسان و کارشناسان تحلیل تکنیکال در بازارهای مالی می باشد. سیگنالهای این برنامه بر مبنای روشهای نوین در تحلیل چارتها و کمک گرفتن از شرایط آماری صادر می شوند. بر خلاف بسیاری از ایندیکاتورهای رایج که در همه شرایط بازار سیگنالی برای خرید یا فروش صادر کرده اند، MaxP تنها زمانی به کاربر اجازه خرید یا فروش می دهد که همه شرایط برای ورود در نقطه مناسب فراهم شده باشد. در واقع MaxP تنها یک ایندیکاتور نیست بلکه یک استراتژی مدون و کامل برای مدیریت هر چه دقیقتر معاملات در دوره های زمانی مختلف می باشد. از دید کاربردی استفاده از این نرم افزار بسیار ساده است و کاربر به راحتی و با اطلاعات کم تکنیکی و بنیادی قادر به استفاده از آن می باشد. یکی از ویژگیهای منحصر به فرد MaxP قابلیت استفاده از سیگنالهای آن در تمام زوج ارزهای بازار فارکس، فلزات گران بها، شاخص ها و تمام کالاهایی می باشد که قیمت آنها در بازار کارا و بر مبنای عرضه و تقاضا تعیین می شود. سیگنال های ایندیکاتور MaxP در تایم فریم های M1 تا H4 صادر می شوند. همانطور که در شکل شماره 1 مشاهده می کنید نقطه ای که سیگنال صادر شده است با یک فلش زرد رنگ مشخص شده است. همچنین این نقطه محل تلاقی دو خط افقی و عمودی می باشد که قیمت و زمان صدور سیگنال را مشخص می کنند. همزمان با صدور سیگنال یک ساپورت یا رزیستنس به عنوان Stop Loss برای سیگنال در نظر گرفته می شود. Stop Loss هر سیگنال هم بر روی نمودار و هم بالای نمودار مشخص می شود.

در سه حالت اعتبار سیگنال ها از بین می رود (سیگنال خرید یا فروش به No Signal تبدیل می شود). اول اینکه قیمت به Stop Loss برسد. در این شرایط اعتبار سیگنال صادر شده کاملاً از بین می رود و عبارت Buy Signal یا Sell Signal به عبارت No Signal تبدیل می شود. حالت دوم در شرایطی اتفاق می افتد که سیگنالی مخالف سیگنال فعلی صادر شده باشد. در این شرایط باید فوراً پوزیشن فعلی بسته شود و در مورد سیگنال جدید تصمیم معقول و منطقی اتخاذ شود. حالت سوم برای از بین رفتن اعتبار یک سیگنال در شرایطی اتفاق می افتد که زمان نسبتاً زیادی از صدور سیگنال گذشته باشد. نکته مهم در کاربرد این سیگنال ها این است که بلافاصله با از بین رفتن اعتبار سیگنال ها می بایست از بازار خارج شویم.

مدیریت ریسک

معامله گران با تجربه بازار اهمیت مدیریت ریسک را به خوبی درک کرده اند و قبل از اقدام به معامله میزان ریسک و بدترین شرایط ممکن را در نظر می گیرند. برای بهره مندی از شرایط مناسب و در عین حال کنترل زیان احتمالی توصیه می کنیم برای هر پوزیشن با حجم 0.1 لات حداقل \$4000 در نظر گرفته شود.

مدیریت ریسک و سرمایه در بازار های مالی

بسیاری از معامله گران بازار با وجود تسلط بر مباحث تکنیکی و بنیادی و با داشتن استراتژی کارآمد، همچنان قادر به کسب سود و حتی حفظ سرمایه در بلند مدت نمی باشند. اصلی ترین علت شکست این معامله گران در صحبت های آنان نهفته است. در شرایطی که متوسط سود سالانه حرفه ای ترین معامله گران دنیا معمولاً کمتر از 100% می باشد، معامله گران آماتور از دو یا چند برابر کردن سرمایه در یک ماه صحبت می کنند!! در صحبت بسیاری از این معامله گران تجربه چند ماهه از موفقیت های رویایی مرتباً شنیده می شود با این حال در نهایت سرنوشتی جز از دست دادن تمام سرمایه نداشته اند. این تجربه هر روز و هر روز برای معامله گران تازه کار و حتی بسیاری از کهنه کاران بازار اتفاق می افتد و در این بین وحشتناک ترین اتفاق این است که بازندگان بازار علت شکست خود را تنها یک اشتباه می دانند و با خود عهد می کنند که در سرمایه گذاری بعدی آن اشتباه را مرتکب نخواهند شد غافل از اینکه بازار هر روز درس تازه ای به بازیگران خود می دهد. یک اشتباه در تعیین حد زیان، انتشار یک خبر غیر منتظره، اشکال فنی کامپیوتر یا اینترنت، عدم اجرای دستورات توسط بروکر و . . . دلایلی هستند که معامله گران غیر حرفه ای در توجیه شکست خود دارند. این مشکلات و اشتباهات برای معامله گران حرفه ای و موفق نیز پیش آمده است. نه فقط یک بار، بلکه به دفعات. در عین حال آنها هرگز متحمل زیان سنگین و جبران ناپذیر نمی شوند زیرا همواره با در نظر گرفتن بدترین اتفاقات اقدام به سرمایه گذاری و معامله می کنند. تفاوت اصلی معامله گران حرفه ای و آماتور در دیدگاه آنان نسبت به بازار و تنظیم ریسک و بازده مورد انتظار می باشد. معامله گران تازه کار که معمولاً تجربیات موفقی در حساب های مجازی داشته اند، با سرمایه ای اندک وارد بازار حقیقی می شوند و برای دسترسی به بازده زیادی که انتظار دارند، به انجام معاملاتی با حجم سنگین می پردازند و متأسفانه با کوچکترین نوسان نامطلوب بازار، همه سرمایه خود را از دست می دهند. این در حالیست که معامله گر حرفه ای با مدیریت سرمایه و ریسک، در یک برنامه بلند مدت اهداف خود را دنبال می کند. به عبارتی می توان گفت که مرز موفقیت و شکست در هر نوع سرمایه گذاری تسلط بر دانش مدیریت سرمایه و ریسک است. مدیریت سرمایه بزرگترین هنر معامله گران حرفه ای برای کسب حداکثر سود با کمترین ریسک ممکن است. در ساده ترین بیان مدیریت سرمایه مشخص کننده سبک معاملات با توجه به حجم سرمایه، درصد ریسک قابل قبول و حد زیان می باشد.

$$(Lots = Equity * Risk / (Stop Loss * PV$$

$$PV = Pip Value \text{ (در هر لات ارزش هر پیپ)}$$

یکی از اشتباهات رایج در مبحث مدیریت ریسک تعیین حد زیان با توجه به سایز پوزیشن می باشد. به عنوان مثال معامله گر A اقدام به خرید EUR /USD با سایز 1 لات می کند و حد اکثر زیان احتمالی را 200\$ در نظر می گیرد. این شخص بناچار می بایست Stop Loss را با فاصله 20 پیپ تنظیم کند. به عبارتی حد زیان با توجه به سایز پوزیشن تعیین شده است که اشتباه است.

در مقابل معامله گر B ابتدا به بررسی دقیق شرایط بازار می پردازد و حد زیان مناسب را 50 پیپ تشخیص می دهد. سپس سایز مناسب را بگونه ای تنظیم می کند که حد اکثر زیان با Stop Loss 50 پیپی بیش از 200\$ نباشد. بنابراین Stop Loss بر اساس شرایط بازار تعیین می شود سپس حجم معاملات بر اساس Stop Loss و میزان ریسک محاسبه می شود.

مثال: بعد از بررسی شرایط بازار، موقعیت مناسبی برای خرید USDCHF با حد زیان 70 پیپ بدست می آوریم. اگر میزان سرمایه 3000 دلار باشد برای اینکه در صورت زیان بیش از 2% سرمایه از بین نرود، سایز پوزیشن حد اکثر باید چند لات در نظر گرفته شود؟

$$(PV * Lots = Equity * Risk / (Stop Loss$$

$$8.8 = PV \text{ (در هر لات ارزش هر پیپ)}$$

$$90.0 = (8.8 * 70) / (2\% * 3000) = Lots$$

بنابراین اگر سایز پوزیشن 0.09 لات در نظر گرفته شود در صورت زیان 70 پیپی تنها 55.44 دلار (کمتر از 2 درصد) از سرمایه را از دست داده ایم.

اساسی ترین بحث مدیریت سرمایه تعیین میزان ریسک در هر معامله است. قبل از انجام معاملات باید بدانیم در صورت زیان حد اکثر چند درصد سرمایه خود را از دست می دهیم. برای بدست آوردن حداکثر ریسک در هر معامله به توصیه بزرگان بازار و محاسبات ساده ریاضی رجوع می کنیم. معامله گری را در نظر بگیرید که با سرمایه اولیه 1000\$ وارد بازار شده و موجودی وی با از دست دادن 20% سرمایه به 800 دلار رسیده است. این معامله گر برای جبران زیان می بایست به میزان 25% از موجودی 800 دلاری کسب سود کند تا به نقطه اول برسد.

با همین استدلال می توان گفت معامله گری که 50% از سرمایه خود را از دست می دهد برای جبران باید 100% سود بگیرد که کار ساده ای نیست. در جدول زیر مشخص شده است که برای جبران هر درصدی از زیان چند درصد سود لازم است. با توجه به جدول مقابل نتیجه می گیریم که هرچه ریسک سرمایه گذاری بالاتر باشد در صورت زیان احتمال جبران آن کمتر

خواهد بود. از این رو بنظر می رسد جبران زبانی در حد 30% حساب بسیار دشوار باشد. بنابراین ریسک هر معامله باید بگونه ای تنظیم شود که با چندین زیان پشت سرهم حداکثر کاهش سرمایه بیش از 25 یا 30 درصد نباشد. در زندگی شغلی یک معامله گر حتی 15 زیان پی در پی (یا سود های اندک در بین آنها) اتفاقی دور از انتظار نیست. بنابراین سائز هر پوزیشن باید بگونه ای تعیین شود که حد اکثر زیان آن بیش از 2% از موجودی نباشد.

بررسی پرفورمنس کاری از دید مدیریت سرمایه

در ابتدا لازم است با ذکر یک مثال مفهوم Draw Down را تشریح می کنیم. Draw Down یا به اختصار DD بزرگترین فاصله بین ماکزیموم نسبی موجودی حساب (Equity) تا کمترین کف بعد از آن می باشد. به زبان ساده تر DD بزرگترین حرکت برگشتی نمودار Equity می باشد.

فرض کنید یک حساب 10000 دلاری بعد از مدتی به 11433 دلار رسیده باشد. سپس با چندین زیان متوالی موجودی به 10546 دلار کاهش پیدا کند.



فاصله بین 10546 تا 11433 همان DD است که برحسب درصد 7.7% می باشد. میزان واقعی ریسک یک استراتژی و مدیریت سرمایه مربوط به آن می بایست توسط DD سنجیده شود نه سود یا زیان انتهایی دوره. یک راه مناسب برای بررسی پرفورمنس یک حساب محاسبه Reward to Risk است. Reward to Risk نسبت بازده به DD می باشد. همانطور که در شکل بالا ملاحظه می کنید موجودی حساب در انتهای دوره به 11800 دلار رسیده است (18% سود). این درصد مشخص کننده Reward یا بازده است. بنابراین Reward to Risk این پرفورمنس معادل:

$$\text{Reward} / \text{DD} = 18\% / 7.7\% = 2.3 = \text{Reward to Risk}$$

است. بزرگتر بودن این عدد نشان دهنده قوی تر و کم ریسک تر بودن پرفورمنس است. Reward to Risk کمتر از 1.5 بد و Reward to Risk بالاتر از 2 قابل قبول می باشد.

Stop Loss

یکی از برتری های معامله گران موفق نسبت به معامله گران ناموفق در نحوه برخورد آنها با شرایط نامطلوب بازار است. هنگامی که قیمت برخلاف جهت پوزیشن ما حرکت می کند اگر به موقع از بازار خارج شویم، نه تنها از گسترش زیان جلوگیری کرده ایم بلکه در صورت مناسب بودن شرایط جدید می توان در جهت مناسب اقدام به معامله کرده و احتمالاً زیان پوزیشن قبل را جبران کنیم. بسیاری از معامله گران تازه کار و کم تجربه معمولاً بصورت احساسی و بدون در نظر گرفتن قواعد انجام یک معامله موفق تصمیم گیری می کنند. بنابراین هرگز تمایلی به بستن یک پوزیشن با زیان ندارند. در شرایطی که متوسط سود این معامله گران معمولاً کمتر از 20 پیپ می باشد، در پرفورمنس کاری آنها زیان های بزرگتر از 200 پیپ نیز دیده می شود. می توان نتیجه گرفت که یک پوزیشن زیان ده سود 10 پوزیشن سود ده را از بین می برد. برای جلوگیری از گسترش زیان احتمالی می بایست بعد از فراهم بودن شرایط مناسب برای انجام معامله و قبل از اقدام به آن، حد زیان (Stop Loss) مناسب را پیدا کنیم. Stop Loss نقطه ای است که در صورت رسیدن قیمت به آن نقطه، پوزیشن بدون هیچ گونه شک و تردید و چون و چرا بسته

می شود. گاهی ممکن است بعد از رسیدن قیمت به Stop Loss و بسته شدن پوزیشن بلافاصله روند حرکت به نفع معامله گر تغییر کند. معامله گر آماتور از اینکه برای پوزیشن خود حد زیان تعیین کرده ابراز پشیمانی می کند و احتمالاً در آینده چنین کاری نخواهد کرد. اما معامله گر منطقی و با تجربه به بررسی علت و ضعف استراتژی معاملاتی خود در تعیین نقطه ورود و خروج مناسب می پردازد.

خروج از بازار هنگام رسیدن قیمت به حد زیان در واقع یک حرکت مصلحتی برای جلوگیری از گسترش زیان و کسب آمادگی برای ورود مجدد در شرایط مناسب می باشد. تعیین حد زیان به معامله گر این اعتماد به نفس را می دهد که امکان مقابله با هر اتفاق نامطلوبی در محیط بازار وجود دارد. لذا بدون هیچگونه ترس و تردیدی از تمام شرایط مناسب بازار بهره مند می شود. این در حالیست که معامله گر بی تجربه و نا آگاه همواره با اضطراب و ناراحتی در انتظار برگشت قیمت به نفع خود است.

یکی از بزرگترین اشتباهات تغییر حد زیان بدون دلیل فنی و منطقی است بدین ترتیب که با نزدیک شدن قیمت به حد زیان معامله گر اقدام به گسترش یا حذف حد زیان می کند و منتظر کمتر شدن یا از بین رفتن زیان می ماند. با وجود اینکه ممکن است در مواردی این حرکت موجب جبران یا کمتر شدن زیان شود اما در بلند مدت نتیجه ای جز از بین رفتن برنامه و استراتژی کاری نخواهد داشت.

حال این سوال مطرح می شود که چگونه حد زیان مناسب را تعیین کنیم؟

حد زیان مناسب نقطه است که در صورت رسیدن قیمت به آن نقطه احتمال ادامه حرکت بیشتر از بازگشت آن باشد. به عنوان مثال در شکل زیر قصد داریم در جهت روند اقدام به معامله کنیم.



شکل 1

کف کانال صعودی می تواند نقطه ورود مناسبی برای خرید باشد. همانطور که در شکل 1 مشاهده می کنید حد زیان پائین تر از کانال قرار گرفته است بطوریکه اگر قیمت به حد زیان برسد، کانال صعودی Break Out شده و احتمال ادامه حرکت نزولی از برگشت قیمت، بیشتر خواهد بود. لذا در مثال فوق حد زیان مناسبی برای پوزیشن خرید در نظر گرفته شده است. شکل زیر که ادامه نوسانات شکل 1 می باشد، بخوبی نشان می دهد که با برخورد قیمت به حد زیان روند نزولی ادامه پیدا کرده است.



شکل 2

پوزیشن مثال فوق با حدود 50 پیپ زیان بسته شده است اما در صورت عدم تعیین حد زیان حدود 200 پیپ می شدیم.

روش های مختلفی برای تعیین حد زیان وجود دارد. یکی از کاربردی ترین روش ها در نظر گرفتن ساپورت یا رزیستنس می باشد. مثلاً در پوزیشن فروش ابتدا می بایست رزیستنس کلیدی را در نظر بگیریم و حد زیان را اندکی بالاتر از آن قرار دهیم. زیرا شکسته شدن رزیستنس کلیدی **اخطار بسیار مهمی برای ادامه حرکت صعودی می باشد**. اینکه حد زیان پوزیشن ها چند پیپ باید باشد کاملاً به شرایط پوزیشن وابسته است. طبیعتاً معاملات بلند مدت تر به حد زیان بزرگتری نیاز دارند تا با نوسانات کوتاه مدت بازار بسته نشوند.

باید بدانیم که هرگز قادر به کنترل نوسانات بازار نخواهیم بود بنابراین برای موفقیت می بایست کنترل رفتار و تفکرات خود را بدست بگیریم و پیروی از اصول و قواعد بازی را به ضمیر ناخودآگاهمان القا کنیم. یکی از این اصول پیدا کردن نقطه مناسب برای قرار دادن حد زیان و سپس محاسبه سایز معاملات (متناسب با حد زیان و میزان ریسک) می باشد. ارتباط بین میزان حد زیان و حد سود مسئله مهمی است که می بایست بدقت مورد توجه قرار گیرد. معمولاً به اشتباه پیشنهاد می شود در معاملاتی وارد شویم که حد سود از حد زیان بزرگتر باشد تا نسبت Reward to Risk پوزیشن بزرگتر از یک باشد اما باید احتمال وقوع هر کدام را نیز در نظر بگیریم. مثلاً اگر حد زیان هر پوزیشن 2% از سرمایه و حد سود 1% باشد، در شرایطی که احتمال وقوع سود نسبت به احتمال وقوع زیان، 3 به 1 باشد با محاسبات آماری بعد از 100 معامله رشدی معادل 27% سرمایه خواهیم داشت.

با بزرگتر کردن Stop Loss احتمال برخورد به آن کمتر می شود اما در صورت وقوع می تواند زیان زیادی ایجاد کند. بنابراین باید تعادلی بین حد زیان بالا و حد زیان پائین پیدا کنیم. برای مثبت بودن روند معاملات باید **احتمال برخورد حد سود * مقدار حد سود < احتمال برخورد حد زیان * مقدار حد زیان** برقرار باشد.

کوچکتر بودن حد زیان با ثابت نگه داشتن احتمال وقوع آن تاثیر فوق العاده ای در پرفورمنس بلند مدت خواهد داشت. **دقت در پیدا کردن نقطه ورود مناسب به کمتر شدن زیان احتمالی کمک می کند.**



مثال: در شکل روند حرکت را صعودی را میدانیم لذا اقدام به خرید خواهیم کرد. همانطور که مشاهده می کنید حد زیان شکل سمت چپ دو برابر حد زیان شکل سمت راست می باشد. این در حالیست که حد زیان در نقطه ثابتی قرار دارد. به عبارتی کم

شدن حد زیان نه بواسطه تغییر نقطه خروج بلکه بواسطه تغییر نقطه ورود اتفاق افتاده است. کاملاً واضح است که قرار دادن نقطه ورود در اطراف ساپورت یا رزیستنس کلیدی موجب کمتر شدن زیان بدون افزایش احتمال وقوع آن می شود.

محاسبه سود یا ضرر

در پلت فرم معاملاتی، سود و ضرر حاصل از انجام هر معامله به صورت لحظه ای و در زمان واقعی صورت می گیرد. مقدار تقریبی ارزش 1 پیپ تغییر در هر جفت ارزی به صورت زیر خواهد بود: (این میزان 100.000 از واحد از ارز اصلی است)

در یک روز معمول، ارزهایی که نقدینگی بازار در آنها زیاد است مثل EUR/USD و USD/JPY می توانند به میزان 1 واحد کامل (0.100, 100 پیپ) تغییر نوسان داشته باشند. در یک پوزیشن معاملاتی 1.000.000 یورو، تغییر یک واحد کامل بر روی زوج یورو-دلار برابر با 10.000 دلار است.

